



آیا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از شیخین راضی شدند؟

بر فرض که قبول کنیم، فاطمه رضی الله عنها در مقطعی از شیخین دلگیر شده باشد؛ ولی این مطلب نیز ثابت است که شیخین در آخرین روزهای حیات فاطمه آمدند و از وی رضایت گرفتند؛ چنانچه بیهقی و دیگران نقل کرده‌اند....

طرح شبهه:

بر فرض که قبول کنیم، فاطمه رضی الله عنها در مقطعی از شیخین دلگیر شده باشد؛ ولی این مطلب نیز ثابت است که شیخین در آخرین روزهای حیات فاطمه آمدند و از وی رضایت گرفتند؛ چنانچه بیهقی و دیگران نقل کرده‌اند:

عن الشعبي قال لما مرضت فاطمة أنها أبو بكر الصديق فاستنذت عليها فقال علي يا فاطمة هذا أبو بكر يستنذتك عليك فقالت أتحب أن أأذن؟ قال نعم فأذنت له فدخل عليها يترضاها وقال والله ما تركت الدار والمال والأهل والعشيرة إلا لإبغاء مرضاة الله ومرضاة رسوله ومرضاتكم أهل البيت ثم ترضاها حتى رضيت.

هنگامی که فاطمه بیمار شد ابوبکر برای کسب رضایت نزد وی آمد و اجازه خواست تا او را ملاقات کند، علی به فاطمه فرمود: ابوبکر برای ملاقات اجازه می‌خواهد فاطمه فرمود: آیا شما دوست دارید وارد شوید؟ علی فرمود: آری، پس فاطمه اجازه داد، ابوبکر وارد شد و جویای کسب رضایت فاطمه بود، ابوبکر گفت: به خدا سوگند خانه و زندگی و مال و ثروتم و خویشانم را ترک نکردم؛ مگر برای به دست آوردن رضایت و خوشنودی خدا و رسول و شما خاندان پیغمبر، پس فاطمه از وی راضی شد.

البیهقی، احمد بن الحسین (متوفای 458هـ) دلائل النبوة، ج 7، ص 281؛

البیهقی، احمد بن الحسین (متوفای 458هـ) الاعتقاد والهدایة إلى سبیل الرشاد علی مذهب السلف وأصحاب الحديث، ج 1، ص 354، تحقیق: أحمد عصام الکاتب، ناشر: دار الأفاق الجديدة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1401هـ.

نقد و بررسی:

عدم رضایت صدیقه شهیده سلام الله علیها از شیخین، اصل و اساس مشروعیت خلافت آن‌ها را زیر سؤال می‌برد؛ چرا که ثابت می‌کند تنها یادگار رسول خدا، برترین بانوی دو عالم، سیده زنان اهل بهشت با خلافت ابوبکر و عمر مخالف و از دست آن‌ها ناراضی و خشمگین بوده است و طبق روایات صحیح السندی که در صحیح‌ترین کتاب‌های اهل سنت آمده است، رضایت فاطمه رضایت رسول خدا و خشم او خشم رسول خدا است.

از این رو عالمان اهل سنت دست به کار شده و روایتی را جعل کرده‌اند تا ثابت کنند که شیخین پس از آن که دختر رسول خدا را به خشم آوردند، در واپسین روزهای زندگی آن حضرت به عیادت ایشان رفته و از او درخواست رضایت کردند و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از آن‌ها راضی شد!

در پاسخ می‌گوییم:

اولاً: سند روایت مرسل است؛ چرا که شعبی از تابعین است و خود شاهد ماجرا نبوده و این روایت همان اشکالی را دارد که اهل سنت به روایت بلاذری و طبری می‌کردند.

ثانیاً: بر فرض این که مرسلات تابعی مورد قبول باشد، باز هم نمی‌توان روایت شعبی را پذیرفت؛ زیرا شعبی از دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و ناصبی بوده است؛ چنانچه بلاذری و ابوحامد غزالی به نقل از خود شعبی می‌نویسند:

عن مجالد عن الشعبي قال: قدمنا على الحجاج البصرة، وقدم عليه قراء من المدينة من أبناء المهاجرين والأنصار، فبهم أبو سلمة بن عبد الرحمن بن عوف رضي الله عنه... وجعل الحجاج يذأكرهم ويسألهم إذ ذكر علي بن أبي طالب فقال منه وتلنا مقاربة له وفرقاً منه ومن شره....

در شهر بصره همراه عده‌ای بر حجاج وارد شدیم گروهی از قاریان مدینه از فرزندان مهاجر و انصار که ابوسلمه بن عبد الرحمن بن عوف نیز در جمع آنان بود، حضور داشتند. حجاج با آنان مشغول گفتگو بود پدای از علی بن ابوطالب کرد و از او بدگویی نمود و ما نیز به خاطر رضایت حجاج و در امان ماندن از شر او از علی بدگویی کردیم

....

البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای 279هـ) أنساب الأشراف، ج 4، ص 315؛

الغزالی، محمد بن محمد أبو حامد (متوفای 505هـ)، إحياء علوم الدين، ج 2، ص 346، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

آیا روایت يك ناصبی می‌تواند برای ما حجت باشد؟

نارضايتي فاطمه (سلام الله علیها) از ابوبکر در صحیح‌ترین کتاب‌های اهل سنت

ثانیاً: غضب فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر از آفتاب روشن تر و غیر قابل انکار است. بخاری در صحیح‌ترین کتاب اهل سنت از تداوم غضب و قهر فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر، سخن گفته است.

در کتاب أبواب الخمس، می‌نویسد:

فَقَضَيْتُ قَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤَقِّتَ.

فاطمه دختر رسول خدا از ابوبکر ناراحت و از وی روی گردان شد و این ناراحتی ادامه داشت تا از دنیا رفت.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، صحيح البخاري، ج 3، ص 1126، ج 2926، باب قَرْضُ الخُمْسِ، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

در کتاب المغازي، باب غزوة خيبر، حديث 3998 می‌گوید:

فَوَجَدْتُ قَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤَقِّتَ

فاطمه بر ابوبکر غضب کرد وبا وی سخن نگفت تا از دنیا رفت.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، صحيح البخاري، ج 4، ص 1549، ج 3998، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر، تحقيق د. مصطفى ديب البغا،

ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

در کتاب الفرائض، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) لَا تُورَثُ مَا تَرَكَتَا صَدَقَةَ حَدِيث 6346 می‌نویسد:
فَهَجَّرَتَهُ فَاطِمَةُ فَلَمْ تَكَلِّمُهُ حَتَّى مَاتَتْ.

پس فاطمه از ابوبکر کناره گیری کرد و با وی سخن نگفت تا از دنیا رفت.

البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 6، ص 2474، ح 6346، کتاب الفرائض، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) لَا تُورَثُ مَا تَرَكَتَا صَدَقَةَ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

و در روایت ابن قتیبہ آمده است که هنگامی که آن دو برای عبادت آمدند، فاطمه زهرا سلام الله علیها اجازه ورود نداد و ناچار شدند به امیرمؤمنان علی علیه السلام متوسل شوند و آن حضرت وساطت کرد، در پاسخ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:
البيت بيتك.

یعنی علی جان! خانه خانه تو است، تو مختاری هر کسی را که دوست داری اجازه ورود بدهی. امیر مؤمنان علیه السلام برای اتمام حجت و این که آن دو بعداً بهانه نیاورند که ما می‌خواستیم از فاطمه رضایت بگیریم؛ ولی علی نگذاشت، به آن دو اجازه ورود داد. هنگامی که آن دو عذرخواهی کردند، صدیقه طاهره نپذیرفت؛ بلکه از آنها این چنین اعتراف گرفت:
نشدتکما الله ألم تسمعا رسول الله يقول «رضا فاطمة من رضي وسخط فاطمة من سخطي فمن أحب فاطمة ابنتي فقد أحبني ومن أَرْضَى فَاطِمَةَ فَقَدْ أَرْضَانِي وَمَنْ أَسْخَطَ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَسْخَطَنِي»

شمارا به خدا سوگند می‌دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمود: خوشنودی فاطمه خوشنودی من، و ناراحتی او ناراحتی من است. هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خوشنود نماید مرا خوشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟.

هر دو نفرشان اعتراف کردند: آری ما از رسول خدا اینگونه شنیده ایم.

نعم سمعناه من رسول الله صلى الله عليه وسلم.

سپس صدیقه طاهره فرمود:

فإني أشهد الله وملائكته أنكما أسخطتماني وما أرضيتماني ولئن لقيت النبي لأشكوكما إليه.

پس من خدا و فرشتگان را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده‌اید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد.

به این نیز بسنده نکرده و فرمود:

والله لأدعون الله عليك في كل صلاة أصليها.

به خدا قسم پس از هر نماز بر شما نفرین خواهم کرد.

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفای 276هـ)، الإمامة والسياسة، ج 1، ص 17، باب كيف كانت بيعة علي رضي الله عنه، تحقيق: خليل المنصور، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418هـ - 1997م.

با این حال چگونه می‌توان باور کرد که صدیقه شهیده سلام الله علیها از آن دو راضی شده باشد؟ آیا روایت بخاری مقدم است یا روایت بیهقی؟ آن‌هم روایت شخصی که دشمن امیرمؤمنان علیه السلام محسوب می‌شده و خود نیز شاهد ماجرا نبوده است؟

ثالثاً: اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها از آن دو نفر راضی شده بود، چرا وصیت کرد که او را شبانه دفن کنند و هیچ يك از کسانی را که به وی ستم روا داشته‌اند، برای تشییع جنازه و نماز خبر نکنند؟

محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد:

وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تَوَقَّيْتُ دَفَنَهَا رَوَّحَهَا عَلَيَّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا

فاطمه پس از رسول خدا شش ماه زنده بود و چون از دنیا رفت همسرش علی شبانه او را دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد و خودش بر بدن فاطمه نماز خواند.

البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 4، ص 1549، ح 3998، کتاب المغازی، باب غزوة خيبر، تحقيق د. مصطفی ديب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

ابن قتيبة دینوری در تأویل مختلف الحديث می‌نویسد:

وقد طالبت فاطمة رضي الله عنها أبا بكر رضي الله عنه بميراث أبيها رسول الله صلى الله عليه وسلم فلما لم يعطها إياه حلفت لا تكلمه أبدا وأوصت أن تدفن ليلا لئلا يحضرها فدفنت ليلا

فاطمه از ابوبکر میراث پدرش رسول خدا را درخواست نمود و چون ابوبکر سرپیچی کرد سوگند یاد کرد که دیگر با وی سخن نگوید و وصیت کرد شبانه او را دفن کنند تا ابوبکر در تشییعش شرکت نکند.

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفای 276هـ)، تأویل مختلف الحديث، ج 1، ص 300، تحقيق: محمد زهري النجار، ناشر: دار الجيل، بيروت، 1393، 1972.

و عبد الرزاق صنعانی می‌نویسد:

عن بن جريج وعمرو بن دينار أن حسن بن محمد أخبره أن فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وسلم دفنت بالليل قال فر بها علي من أبي بكر أن يصلي عليها كان بينهما شيء

از حسن بن محمد نقل است که گفت: فاطمه دختر پیامبر شب دفن شد تا ابوبکر بر پیکرش نماز نخواند؛ زیرا کدورتی بین آن دو وجود داشت.

و در ادامه نیز می‌گوید:

عن بن عيينة عن عمرو بن دينار عن حسن بن محمد مثله الا أنه قال اوصته بذلك.

از حسن بن محمد نیز همانند روایت پیشین نقل شده است؛ الا این که در این روایت گفته شده: فاطمه بر دفن شبانه وصیت کرد.

الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام (متوفای 211هـ)، المصنف، ج 3، ص 521، ح 6554 و ح 6555، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت،

البته ممکن است که کسی بگوید: ابوبکر بعدا پشیمان شد و توبه کرد، در پاسخ باید گفت: توبه زمانی مفید و ارزشمند است که همراه با ندامتی بر خواسته از عمق وجود آدمی باشد. و از طرفی گذشته را هم جبران نماید به این معنی که شخص توبه کننده حقوق تضییع شده را؛ چه الهی باشد و چه مردمی تمام آن را جبران نماید. حال پرسش ما این است که آیا ابوبکر فدک را به صدیقه طاهره بازگرداند تا توبه‌اش توبه نصح باشد و در نزد خداوند پذیرفته شود؟

نتیجه:

خشم فاطمه از شیخین تا واپسین لحظات زندگی‌اش و عدم رضایت از آن دو، از مسائلی است که در صحیح‌ترین کتاب اهل سنت پس از قرآن وارد شده و روایت بی‌هقی که از آن استفاده کسب رضایت فاطمه شده است، به دلیل وجود يك ناصبی در سلسله سند آن، اعتبار ندارد.

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)